

تاملی بر جایگاه توبه در نظام کیفری اسلام و تطبیق آن بااعتراف مذهبی در مسیحیت

پیمان تمرازی^۱ و محسن کلانتری گوده کهریز^۲

۱. عضو مرکز وکلای استان اردبیل، اردبیل، ایران

۲. دانشجوی دکتر تخصصی حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران kalantari.ard@gmail.com

چکیده

واژه توبه و مشتقات آن ۹۲ بار و کلمه استغفار و مشتقات آن ۴۵ مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است و در آیات متعدد دیگری نیز بدون ذکر این واژه‌ها به این مساله اشاره شده است. توبه از دیدگاه حقوق جزای اسلامی به عنوان یکی از مسقطات و بازدارنده‌ها از مجازات شمرده شده است و از این باب یک تاسیس حقوقی در حقوق جزای اسلامی می‌باشد. در دین مسیحیت نهادی مانند توبه که دارای ابعاد حقوقی باشد وجود ندارد؛ با این وجود اعتراف نزد کشیش تا حدودی از لحاظ روانی و رفتاری نزدیک به مفهوم توبه می‌باشد. در این جا، کشیش محرم اسرار می‌شود و حکم پاکی از گناه را صادر می‌کند. هم چنین تعمیم هم به عنوان یکی از آیین‌های دین مسیحیت مطرح است که در میان سه مذهب کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان مورد پذیرش است. این مقاله می‌کوشد با واکاوی در نهاد توبه، آن را بانهادهای مشابه نظیر اعتراف و تعمیم در حقوق مسیحیت مقایسه و به آثار حقوقی آن‌ها در این دو نظام حقوقی پردازد.

واژه‌های کلیدی: توبه، اعتراف، تعمیم، حقوق اسلام، حقوق مسیحیت.

۱- مقدمه

ابن منظور در لسان‌العرب می‌نویسد: توبه به معنای بازگشت از گناه است و بازگشت به خدا، به خدا برمی‌گردد. بازگشتنی، یعنی از عصیان و نافرمانی به اطاعت از خدا برمی‌گردد... و بازگشت خدا به او، یعنی خداوند در رحمتش را به روی وی گشود و او را موفق به بازگشت نمود و خداوند بسیار توبه‌پذیر و بخشنده است. پس توبه، هم توبه خدا را شامل می‌شود و هم توبه بنده را. اما در بازگشت انسان به خدا، توبه با من می‌آید، تَابَ مِنْ ذَنْبِهِ به معنای رَجَعَ عَنْ ذَنْبِهِ و در توبه و بازگشت خدا به بنده‌اش با علی می‌آید تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ یعنی رَجَعَ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۶۱). توبه در اصطلاح دینی و اخلاقی، به معنای بازگشت از گناه می‌باشد به گونه‌ای که مرتکب، پشیمان شود و تصمیم گیرد که دیگر مرتکب گناه نشود. (ایمانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱) در مسیحیت نیز راه‌هایی برای بازگشت به خداوند مطرح گردیده مانند غسل تعمید و اعتراف نزد کشیش! غسل تعمید، ریشه در نظریه گناه نخستین دارد. غسل تعمید در واقع، خروج از این آلودگی و ورود به پاکی است. بنابراین، تعمید این است که نفس انسان از گناه اولیه پاک و مطهر می‌شود. راه دیگر توبه در مسیحیت، اعتراف نزد کشیش و بخشش توسط او می‌باشد. در این راه شخص گناه‌کار، نزد کشیش به گناهان خود اعتراف کرده و بدون چشم‌داشت تمام گناهانی که انجام داده را به کشیش می‌گوید و سپس کشیش، با قرار دادن فدییه و کفاره، گناهان او را می‌بخشد و این‌گونه شخص گناه‌کار بخشیده می‌شود. البته در مسیحیت نهاد توبه بیش تر دارای محتوای اخلاقی است، در صورتی که در حقوق اسلام توبه یک نهاد اخلاقی و حقوقی است و دارای نفوذ حقوقی و کیفری می‌باشد.

در این مقاله سعی شده است توبه در نظام حقوقی اسلام و اعتراف مذهبی در حقوق مسیحیت با استفاده از روش تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی بر مبنای مطالعات تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- توبه در حقوق کیفری اسلام

توبه در حقوق جزای اسلامی به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده و از این باب یک تأسیس حقوقی در حقوق جزای ایران است، به گونه‌ای که در سایر مکاتب کیفری امروزی نمونه آن به چشم نمی‌خورد. در اهمیت آن همین بس که یکی از بهترین شیوه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان است. با تأمل در آیات و روایات و نیز سخنان فقهای اسلام، استنباط می‌شود که برای توبه، ندامت حقیقی و عزم بر ترک گناه برای همیشه کافی است و انجام آن نیاز به لفظ و اعمال خاصی ندارد.

۱-۱- توبه در حق الناس

حقوقی که برای افراد یا اجتماعات شناخته شده است را حقوق الناس گویند که در مقابل حقوق الله استعمال می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۲۸) بنابر تعریف دیگر، جرایمی که جنبه شخصی دارند و فرد یا افراد معین از آن متضرر می‌شوند از جرائم حق الناس تلقی می‌شوند (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۳۶۶-۳۶۵) که خود بر سه نوع است: حق مالی، حق بر بدن و حق معنوی. (ولیدی، ۱۳۷۵: ۲۲۴)

حق مالی

برخی از جرایم در حقوق الناس، حق بر مال می‌باشد، مانند سرقت تعزیری و جرایم مالی مشابه. در این گونه موارد، توبه عبارت است از پشیمانی از گذشته و تصمیم بر این که دیگر مرتکب آن جرم نگردد و بازگرداندن مال مسروقه.

حق بر بدن

در بعضی از جرایم، به واسطه فعل انسان، حق بر بدن ایجاد می‌گردد. مانند جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص یا قتل که مستوجب قصاص است و ضرب و جرح عمدی که حکم آن نیز قصاص می‌باشد. در این گونه جرایم، توبه عبارت از پشیمانی از گذشته و تصمیم بر عدم تکرار جرم و پذیرفتن اجرای مجازات قصاص یا پرداخت دیه به حسب مورد است. در این صورت، اثر توبه مربوط به حیات اخروی شخص می‌باشد.

حق معنوی

در برخی از گناهان و جرایم، ممکن است به واسطه ارتکاب اعمال، به آبروی اشخاص، خللی وارد شود که در آن موارد نیز، جرم دارای جنبه حق الناس می‌باشد، مانند جرم قذف که به واسطه آن، آبروی افراد در معرض تهدید قرار می‌گیرد. توبه در این گونه موارد نیز، عبارت از پشیمانی از گذشته و تصمیم بر عدم تکرار جرم و پذیرفتن اجرای حد قذف است. اثر این نوع توبه نیز مربوط به حیات اخروی شخص است. (اسلام پور، ۱۳۸۳: ۱۰۵)

۱-۲- توبه در حق الله

جرائمی که محلّ نظم عمومی و اخلاق حسنه باشند از جرائم حق اللهی محسوب می‌شوند. (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۳۶۶) توبه در جرایمی مسقط مجازات است که فلسفه جرم بودن آنها صرف مخالفت با اوامر و نواهی الهی باشد؛ مجازات یا عدم مجازات آنها، مطلقاً در اختیار خداوند است و حاکم شرع مکلف می‌باشد که مجازات را طبق شرایطی که در شرع مقدس تصریح شده است، اجرا کند. بنابراین، شفاعت و کفالت، در حدود الهی منتفی است. به دلیل آن که توبه از چنین اعمالی، مجازات اخروی را ساقط می‌کند و چنین فردی محبوب خداوند می‌شود که خداوند به او مژده بهشت ابدی داده و مجازات دنیوی وی نیز ساقط است.

۱-۳- توبه در جرایم عمومی

فلسفه جرم بودن این اعمال نه اخلاق در نظم و نه اضرار به فرد، بلکه صرف مخالفت با اوامر و نواهی الهی است. چنین جرایمی در مکاتب حقوق جزای امروزی ناشناخته‌اند. حال اگر به جرایمی برخورد نماییم که جامعه مرتکبان آنها را به دلیل این که محلّ نظم عمومی‌اند مجازات می‌کند، نه به خاطر این است که این اعمال حرمت شرعی دارند؛ زیرا در حین وضع مجازات برای آنها اصلاً توجهی به این نکته نشده که این اعمال از نظر شرعی حرامند یا خیر. از این رو، توبه از این گونه جرایم نمی‌تواند مسقط مجازات باشد.

۱-۴- زمان پذیرش توبه

در بین فقهای اسلامی در مورد زمان پذیرش توبه، اختلاف نظر وجود دارد. البته، در مورد توبه قبل از اثبات، فقها اتفاق نظر دارند. اما در مورد توبه بعد از اثبات، اختلاف است که دیدگاه فقهای عظام را ذکر می‌کنیم.

توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم

اگر مرتکب پیش از اثبات جرم در نزد حاکم شرع، چه از طریق اقرار و چه از طریق قیام بینه، توبه کند، مشهور فقهای امامیه بر آنند که مجازات ساقط می‌شود، مگر در مورد توبه محارب که نظر مشهور بر آن است متهم باید پیش از دستگیری توبه نماید، نه پس از آن و دلیل آن نصّ صریح قرآن کریم است. آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده و آیه ۱۶ سوره نساء در مورد توبه زناکار است و آیه ۴۳ سوره مائده در مورد توبه سارق که این آیه به طور اجمال بر قبول توبه سارق دلالت دارد. (شهابی، ۱۳۷۵: ۲۳۷)

در حالت کلی مشهور امامیه معتقدند که توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات است که مستند این نظر، آیات و روایات و اجماع فقهای امامیه می‌باشد. آیات زیر بر سقوط مجازات به سبب توبه قبل از دستگیری دلالت دارد: آیه های ۳۳ و ۳۴ سوره مائده در مورد توبه محارب و آیه ۱۶ سوره نساء در مورد توبه مرد و زن زناکار و آیه های ۴ و ۵ سوره نور در مورد توبه قاذف و آیه ۳۹ سوره مائده در مورد توبه سارق، قابل استناد می‌باشند. فقهای امامیه، با استناد به آیات مذکور، مجازات مرتکب را به سبب توبه ساقط می‌دانند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۴۱۶)

مسأله قابل طرح در این جایگاه این است که چنان چه مجرم بعد از قیام بینه، ادعا کند قبل از شهادت توبه کرده است، آیا ادعای او پذیرفته می‌شود و موجب سقوط مجازات وی می‌گردد یا خیر؟ مرحوم فاضل هندی در پاسخ به این سؤال می‌گوید: اگر مجرم، قبل از شهادت شهود توبه کند، حد از او ساقط می‌گردد و همین گونه است اگر ادعا کند قبل از شهادت، توبه کرده است. (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۴۱۵)

توبه بعد از اقرار به جرم

اگر کسی به جرمی اقرار نماید و آنگاه توبه نماید، آیا حد از او ساقط می‌شود یا خیر؟ صاحب شرایع در این مورد می‌نویسد: اگر شخص به جرمی اقرار نماید و سپس توبه کند، امام در اقامه حد مخیر است، سنگسار (رجم) باشد یا تازیانه. (حلی، ۱۳۶۸: ۱۳۹۰) البته، بین این توبه یعنی توبه بعد از اقرار به جرم و توبه قبل از اثبات جرم، یک تفاوت اصلی وجود دارد و آن این که در مورد توبه قبل از اثبات، حد ساقط می‌شود. یعنی اثر مستقیم توبه، سقوط کیفر است و قاضی نمی‌تواند در صورت صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید؛ اما در مورد توبه بعد از اثبات جرم با اقرار، این‌گونه نیست؛ بلکه توبه فقط سبب عفو از مجازات در اختیار قاضی است، یعنی قاضی در صورت صلاح دید می‌تواند مرتکب را عفو نموده یا مجازات نماید. این نوع عفو در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده و در مورد حدود است که در صورت توبه بعد از اقرار، در زنا و لواط و مساحقه و شرب خمر قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید که این نوع عفو هرچند در ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی ذکر نشده، اما ماهیتاً نوعی عفو خصوصی است. (گلدوزیان، ۱۳۹۰: ۵۱)

روایت دیگر، معتبره طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام است که حضرت فرمود: بعضی از آشنایان و دوستان من روایت کرده‌اند که جوانی نزد امیرالمؤمنین (ع) رسید و اقرار به سرقت نمود. جملاتی بین آنان رد و بدل شد؛ سپس، حضرت به او فرمودند: من تو را جوانی می‌بینم و اشکالی ندارد که تو را عفو نمایم. آیا سوره‌ای از قرآن را خوانده‌ای؟ جوان پاسخ داد: بلی، سوره بقره را. پس امام علی (ع) فرمودند: من تو را به دلیل سوره بقره، عفو می‌نمایم و همانا آن چه مانع از اجرای حد قطع می‌شود این است که جرم او با شهادت شهود، ثابت نشده است. (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۲۷)

نقش توبه در سقوط مجازات پیش از محاکمه

مرحله پیش از محاکمه شامل مرحله کشف جرم، تعقیب متهم و تحقیقات مقدماتی تا صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب و یا صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه جهت محاکمه است. نقش توبه در مراحل مزبور به شرح ذیل است:

الف- در صورتی که کسی مرتکب جرمی شود و این جرم از طریق مقامات انتظامی و قضایی جامعه کشف نگردد و او بین خود و حضرت باری تعالی توبه نماید و شرایط مقرر در تحقق توبه را شامل جلب گذشت متضرران از جرم و اصلاح رفتار و عمل خود رعایت کند، براساس اطلاق آیات مربوطه گناهان او مورد بخشش و مغفرت خداوند قرار گرفته و مجازات او ساقط می‌شود.

ب- فرض دوم این است که جرم به مقامات انتظامی و قضایی گزارش شده است. در این حالت از دیدگاه قرآن مجید در صورتی که قاضی تحقیق توبه متهم را با شرایط مقرر آن، قبل از اثبات جرم، احراز کند، باید قرار منع تعقیب صادر نماید. زیرا، احراز توبه مانع از تعقیب است و امکان جمع آوری دلایل و در نتیجه اثبات جرم را از ناحیه قاضی تحقیق سلب می‌کند. هم چنین در صورتی که جرم از طریق علم قاضی ثابت شده باشد، معترض اختیار قاضی متعاقب احراز توبه برای سقوط مجازات نشده است، اما با استفاده از روایات وارده در این باب، می‌توان علم قاضی را هم به اقرار ملحق دانست. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۱۹۷) در صورتی که جرایم مذکور از طریق بینه ثابت شده باشد و مرتکب با رعایت شرایط مقرر متعاقباً مبادرت به توبه کند؛ فقهاء در برداشت از آیات قرآن مجید در باب تأثیر توبه برای سقوط مجازات اکثرأ معتقدند که توبه مرتکب قبل از قیام بینه مؤثر است. در صورتی که جرم از طریق بینه ثابت شده باشد، توبه مرتکب فاقد تأثیر است. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۲۷)

توبه بعد از اثبات جرم با قیام بینه

در این مورد دو نظریه وجود دارد: مشهور فقهای امامیه معتقدند که اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب، پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو او را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد. در مقابل نظریه مشهور، عده کمی از فقها فائلند که اگر بزهکار بعد از اثبات بزه از طریق شهادت شهود، توبه کند، توبه‌اش به وسیله امام پذیرفته می‌شود و می‌تواند مورد عفو قرار گیرد. در حالت کلی در این ارتباط می‌توان گفت در متون فقهی، توبه بعد از اثبات جرم، در دو بستر توبه بعد از اقرار و توبه بعد از قیام بینه، مطرح می‌شود. مشهور فقهاء، توبه بعد از اقرار به جرم را موجب تخییر امام در عفو یا اجرای مجازات

مجرم می‌داند. حتی برخی از فقهای معاصر، ادعای اجماع بر این مساله کرده و قائلند که خلافتی در این نظریه دیده نمی‌شود. مشهور فقهاء، در مورد توبه بعد از قیام بینه نیز قائل به عدم سقوط حد می‌باشند. مبنای دیدگاه آنان روایات متعددی است که در آن خصوص وارد شده است. (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۰۸)

۱-۵- اقسام جرایم و کیفیت توبه آن‌ها

گناهان اقسام گوناگونی دارند که کیفیت توبه نسبت به هر یک نیز مختلف می‌باشد. این گناهان در یک تقسیم کلی به سه قسم زیر می‌باشند:

الف- موجب زائل شدن حقی از مردم یا ثبوت حدی از حدود الله نمی‌شود بلکه گناه مربوط به خود شخص بوده و به بیرون سرایت نمی‌کند. همانند حسد و دروغ در این مورد که گناه و معصیت مربوط به خود شخص عاصی و گناهکار است. با وجود ندامت و تصمیم بر عدم عود توبه محقق شده و اثرات توبه نیز بر آن بار می‌شود.

ب- موجب ثبوت مالی از حقوق الناس یا حقوق الله می‌گردد، همانند ترک زکات و خمس. در این مورد توبه وقتی محقق می‌شود که علاوه بر پشیمانی و ندامت از گذشته، اقدام به پرداخت حقوق کند که بر ذمه‌اش قرار گرفته است.

ج- موجب حد شرعی باشد؛ این خود از نظر کیفیت ثبوت حد از جنبه حق به سه دسته می‌شود. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۱۶)

کیفیت توبه در جرایم مستوجب حد

سوالی که در این باب مطرح است این که اگر کسی قبل از اقرار و یا قبل از قیام بینه در حقوق الله توبه کند، آیا حد ساقط می‌شود یا خیر؟

اگر فرد بین خود و خداوند تبارک و تعالی توبه کند، توبه محقق شده و مسقط مجازات خواهد بود و اگر بعد از توبه با مراجعه به حاکم و اقرار در نزد او تقاضای اجرای حد نماید، در این صورت حد بر او جاری می‌شود. ظاهر از کلمات فقهاء این است که اگر قبل از حضور در محکمه توبه کند کافی بوده و مسقط مجازات خواهد بود و در صورت رجوع به حاکم و اقرار در نزد او حد اجرا می‌شود. (مرعشی شوشتری، ۱۳۷۵: ۱۸) در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است: در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. هم چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. البته طبق تبصره ۱ ماده مذکور، توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حد است. هم چنین در تبصره ۲ ماده مذکور آمده است: در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود.

توبه در جرایم حق الله توأم با حق الناس

حق الله توأم با حق الناس که در متون فقهی و قانونی، تأثیر توبه بر سقوط مجازات آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، عبارتند از: سرقت، قذف، محاربه.

سرقت

شهید ثانی در تبیین مفهوم سرقت مستوجب حد می‌فرماید: سرقت ربودن مال دیگری است، توسط فرد عاقل بالغ مختار از حرز، یعنی جایی که مال را در آن نگهداری می‌کنند و نسبت به هر کالایی متناسب با آن است، پس از هتک کردن حرز، بدون عروض شبهه مالکیت سارق بر شخص او یا حاکم، مشروط بر آن که:

۱- ربودن، مخفیانه - بدون آگاهی مالک - صورت گرفته باشد.

۲- مال دزدیده شده یک چهارم دینار یا قیمت آن، به این میزان باشد.

۳- سارق از مال فرزند خود، سرقت نکرده باشد.

۴- کالای دزدیده شده، خوراکی در سال قحطی نباشد. (جبعی عاملی، ۱۳۸۴: ۴۵۱)

توبه سارق قبل از اقرار

بدون شک نفس توبه در این مرحله مسقط حد است، اما چون مال مسروقه، حق الناس مادی است و بر ذمه سارق می باشد، او مکلف است آن را به صاحبش برگرداند. اگر عین مال باقی است همان را و اگر تلف شده در صورتی که از مثلیات است، مثل آن و در غیر این صورت، قیمت آن را پرداخت کند؛ اما اگر عین حال معیوب شده باشد باید ارزش آن را به مالک بپردازد. در صورت فوت مالک، سارق مسئول است آن را به ورثه او پرداخت کند. بنابراین توبه، مطلقاً مسقط در مال یا پرداخت ارزش نیست، مگر این که شخص مالک یا ورثه او صراحتاً سارق را ابراء ذمه کنند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۵۲۲)

توبه سارق قبل از قیام بینه: توبه سارق قبل از شهادت شهود ساقط کننده حد است.

توبه بعد از قیام بینه: در این مورد عدم سقوط حد می باشند.

توبه در حین اجرای حکم: در تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون مجازات اسلامی در تشریح حد سرقت آمده است: در مورد بند (پ)^۱ این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بداند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. هم چنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید.

قذف

تحقق توبه قاذف، مستلزم دو عنصر می باشد:

اول- قاذف باید سخن خویش را تکذیب کند. بنابراین چنان چه نسبتی که به دیگری داده دروغ باشد هیچ بحثی در تکذیب نیست، لکن تکذیب باید منطبق بر قذف باشد؛ یعنی اگر در اجتماعی به فردی نسبت ناروایی داده است باید در همان اجتماع از مقذوف رفع تهمت کرده و خود را تکذیب کند. اما چنان چه در نسبتی که به دیگری داده صادق بوده، باید به نوعی آن را توجیه و تکذیب کند. این تکذیب در پیشگاه خداوند، دروغ نخواهد بود. دوم- ظهور اصلاح از سوی قاذف: شیعه، به محض ظهور اسلام، تحقق توبه قاذف را محرز می‌داند اما شافعی گذشت مدت زمان یک سال و نظارت بر قاذف در این مدت را جهت احراز توبه قاذف؛ لازم می‌داند.

امام صادق (ع) در مورد تفسیر آیات چهارم و پنجم سوره نور می‌فرماید: هر گاه قاذف توبه کند و عادل شود، پذیرفتن شهادت وی جایز است. بنابراین توبه قاذف سبب سقوط حد نخواهد شد، چرا که در قذف جنبه حق الناسی بر حق الله غلبه دارد و سقوط مجازات قاذف تائب، در صورت گذشت مقذوف محقق می‌گردد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱۹) در این راستا در ماده ۱۱۶ قانون مجازات اسلامی آمده است: حد قذف با توبه ساقط نمی‌گردد.

محاربه

محارب کسی است که با خدا و رسول بجنگد و روی زمین فساد کند. بین فقهاء اتفاق نظر وجود دارد که حد محاربه یکی از موارد چهارگانه مذکور در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده می باشد؛ اما اختلاف بزرگان در این است که موارد مذکور در آیه- یعنی قتل، به دار آویختن، قطع و تبعید ترتیب است یا تخییر؟

در قرآن کریم، پس از تبیین محاربه و مجازات محارب، استثنایی ذکر شده است: و به این وسیله محاربینی را که قبل از تسلط و غلبه بر آن‌ها توبه کنند از مجازات‌های مذکور در آیه بری می‌نماید. اگر محارب قبل از دستگیری توبه کند، باید آن

۱. بند پ و سایر موارد مورد اشاره به شرح ذیل می باشد:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

چه از حقوق الناس که در طی محاربه تضييع گردیده استيفاء شود؛ يعنى چنان چه محارب شخصى را به قتل رسانده، اگر ولى دم او را عفو ننمايد از باب قصاص كشته مى شود. اما چنان چه او را عفو كند، نمى توان او را از باب حد مجازات كرد، چون حد محاربه به واسطه توبه ساقط شده است. هم چنين، اگر مالى را دزدیده باشد، چنان چه توبه كند و مال را به صاحبش برگرداند، ديگر به عنوان حد محاربه مجازات نخواهد شد. اما در صورتى كه بعد از دستگيرى توبه كند، چنان چه شخص را به قتل رسانده باشد، مجازات قتل، به عنوان حد محاربه بر او اجرا مى گردد. بنابراين در اين صورت قصاص منتفى است و چنان چه ولى دم محارب را عفو كند، قتل از او ساقط نخواهد شد؛ چرا كه اجراى حد محاربه بر او حتمى است. قانون مجازات اسلامى حسب ماده ۱۱۶ در رابطه با مجازات محارب، در حالت كلى توبه را موجب سقوط مجازات نمى داند.

ارتداد و نقش توبه در سقوط مجازات آن

در فقه اماميه بين مرتد فطرى مرد^۲ و مرتد ملى^۳ اين تفاوت وجود دارد كه مرتد فطرى مرد را استتابه نمى دهند، ولى مرتد ملى را مى دهند. به اين معنى كه حاكم شرع از مرتد فطرى توبه نمى خواهد و به محض اثبات ارتداد، حد را بر او جارى مى كند، اما از مرتد ملى توبه خواسته مى شود كه در صورت نپذيرفتن توبه، حكم ارتداد جارى خواهد شد. (موسويان، ۱۳۸۳: ۱۸۸) اساساً منشا تقسيم مرتد به فطرى و ملى در شيعه براى همين بوده كه مرتد فطرى را استتابه نمى دهند، در حالى كه مرتد ملى را بايد استتابه داد. تقريباً بين همه فقهاى متأخر، چه آنان كه توبه مرتد را قبول کرده اند و چه آنان كه توبه و اسلامش را نپذيرفته اند، در اين مسأله اتفاق نظر وجود دارد كه سه حكم قتل، جدائى از همسر، و تقسيم اموال، به هيچ وجه از مرتد فطرى برداشته نمى شود و براساس روايات، اين موارد از ادله توبه استثنا شده است. (موسويان، ۱۳۸۳: ۱۸۹)

در مورد ارتداد زن، تفاوتى بين مرتد فطرى و ملى نيست. به اين معنى كه گرچه زن مرتد فطرى باشد، كشته نمى شود، بلكه همواره در حبس مى ماند و در اوقات نماز، به مقدارى كه حاكم تشخيص دهد، او را مى زنند و به كارهاى شاق وامى دارند، خشن ترين لباس ها را كه معمولاً براى پوشش استفاده مى شود بر او مى پوشانند و بدترين و نامطلوب ترين خوراك را به او مى دهند تا توبه كند يا بميرد. پس اگر توبه كرد، مجازات او برداشته مى شود و رها مى گردد. در غير اين صورت، در حبس باقى مى ماند و مورد آزار و اذيت قرار مى گيرد. (جبعى عاملى، ۱۳۸۴: ۲۸۴)

توبه و تعزيرات

مقنن فقط در ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامى، توبه مرتكب را موجب سقوط مجازات تعزيرى مطرح کرده است. ماده ۱۱۵ در اين مورد بيان مى دارد: در جرائم تعزيرى درجه شش، هفت و هشت چنان چه مرتكب توبه نمايد و ندامت و اصلاح او براى قاضى محرز شود، مجازات ساقط مى شود. در ساير جرائم موجب تعزير دادگاه مى تواند مقررات راجع به تخفيف مجازات را اعمال نمايد. هم چنين طبق تبصره ۱ ماده مذکور، مقررات راجع به توبه درباره كسانى كه مقررات تكرر جرائم تعزيرى در مورد آن ها اعمال مى شود، جارى نمى گردد.

۱-۶- احراز توبه

از آن جا كه توبه از امورى است كه تنها از طرف تائب معلوم مى شود، اگر متهمى ادعاى توبه نمايد و حاكم در توبه كردن او ترديد داشته باشد در اين صورت توبه او پذيرفته است. مگر اين كه يقين به كذب وى باشد، لذا به نظر مى رسد با اندك شك و ترديدى در وقوع توبه حد ساقط مى شود كه اين سخن با تفسير قانون به نفع متهم نيز سازگار مى باشد.

موضوع ديگر در رابطه با توبه در روند دادرسى كيفرى، مفهوم دستگيرى است كه به نظر مى رسد داراى ابهام مى باشد و شامل صورتى مى شود كه جرم، به اثبات رسیده يا ثابت نشده باشد، بنابراين اگر دلايل كافي براى اثبات جرم فراهم باشد اما متهم دستگير نگرده و قبل از دستگيرى توبه كند باز هم از امتيازات توبه قبل از دستگيرى بهره مند مى شود. گرچه دستگيرى فقط در جرم محاربه بيان شده است اما عده اى توبه قبل از دستگيرى را در همه جرائم لازم مى دانند. (مكارم شيرازى، ۱۳۸۰: ۴۹۹)

۲. كسى كه از پدر و مادر مسلمان متولد شده و در جامعه اسلامى رشد کرده و پس از بلوغ اظهار ايمان کرده و سپس از اسلام برگشته است.

۳. كسى كه بدون شرايطى كه در مرتد فطرى گفته شده اظهار پشيمانى كند و سپس از اسلام برگردد.

در کتاب های فقهی از اصلی به نام اصل «ملا يعلم الا من قبله» بحث می نمایند که به موجب آن، هرگاه فردی اظهاراتی یا ادعای حقی بنماید، اگر در بخشی از این گونه اظهارات، مطالبه دلیل میسر نباشد و یا موجب عسر و حرج بر او می گردد، در این گونه موارد اگر کسی نباشد که با اظهارکننده به منازعه برخیزد، مصلحت را در این دانسته که به اظهارات وی ترتیب اثر داده شود. این یک تأسیس شرعی است که روایات بسیاری پایه و اساس آن را در تأیید عرف و عادت موجود در این زمینه تشکیل می دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۰: ۱۰۷۱)

برای قاضی در ارتباط با مسأله توبه مجرم چند حالت قابل تصور است:

۱- این که قاضی علم پیدا می کند و متعلق علم او یا وقوع توبه است یا عدم آن. فقهاء، در مورد حصول علم برای قاضی چنین بیان داشته اند: جایز است قاضی بدون بینة، اقرار یا قسم، در حقوق الناس بر طبق علمش عمل کند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۸۲۶)

۲- این که قاضی نسبت به ادعای مرتکب مبنی بر توبه، ظن به تحقق یا عدم آن پیدا می کند.

۳- قاضی در حالت شک و تردید نسبت به توبه ادعایی قرار می گیرد، در حالی که بینة یا قرینه دیگری قابل تحصیل نیست.

در دو حالت اخیر، قواعدی اصولی وجود دارد که قاضی با اعمال آن ها می تواند راهی برای رهایی از بلا تکلیفی بیاید. در فرضی که قاضی ظن به عدم تحقق توبه دارد، چون ظن حادث شده از جمله ظنون خاص نیست که به استناد ادله شرعی و عقلی معتبر باشد چنین ظنی را نمی توان زایل کننده اثر توبه ادعای مرتکب تلقی کرد و قائل به عدم تحقق توبه شد. هم چنین در موردی که قاضی ظن به تحقق توبه پیدا می کند، مجرای استصحاب عدم توبه نیست، بلکه چون توبه از اموری است که تنها از طرف نائب معلوم می گردد، اگر مجرمی ادعای توبه کند و قاضی یقین به کذب او نداشته باشد، مجرای اعمال قواعدی اصولی چون قاعده درأ و اصالة الصحة می باشد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

۲- تعمید و اعتراف؛ جلوه هایی از توبه در حقوق مسیحیت

با توجه به اصل سرایت گناه اولیه و گناه کار متولد شدن هر انسانی، مسیحیت دو راه پیشنهاد می کند: یکی تعمید و دیگری توبه. هر مسیحی با انجام مراسم تعمید، از تبعات گناه اولیه پاک شده و زندگانی جدیدی را آغاز می کند.

۲-۱- تعمید؛ راهی برای پاکی اولیه

تعمید که از جمله مراسم آیین مسیحیت است، به عنوان شاهراه ورود به این دین می باشد و با انجام آن، فرد از اثرات گناه اولیه پاک می شود. آیین توبه به عنوان بخشی دیگر از مراسم مسیحیان است و اعتراف به گناه در اتاقک، نزد کشیش از زیر مجموعه های آن است. مشروعیت اعتراف به گناه نزد غیر خدا، ناشی از نظریه ای به نام عصمت پاپ است که با توجه به استناد به متن کتاب مقدس (عهد جدید) و مصوبات شوراهای کلیسا به اثبات می رسد.

توبه در لباس تعمید

تعمید به عنوان یکی از آیین های دین مسیحیت مطرح است که در میان سه مذهب کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان مورد پذیرش است. البته پروتستان ها همه آیین ها را قبول ندارند، چرا که بر این عقیده اند که باید رد پای هر آیینی را در کتاب مقدس بتوان جست و جو کرد. کاربرد تعمید این است که نفس از گناه اولیه پاک و مطهر می شود. (برنتل، ۱۳۸۱: ۱۳۴) البته این عمل برای هر مسیحی فقط یک بار انجام می شود (میشل، ۱۳۷۷: ۹۳) و این گونه نیست که به کرات انجام گیرد، برخلاف توبه که می تواند بارها به اجرا در آید و شخص پس از جمع کردن کوله بارش از بار گناهان، به نزد کشیش آید و این بار گران را نزد کشیش گران مایه به یادگار گذارد و به تاریخ بسپارد. کسی که آیین مسیحیت را می پذیرد، باید از این مرحله عبور کند تا بتوان نام مسیحی بر وی گذاشت. عدم تعمید مساوی است با عدم ورود به آیین مسیحیت، درست مثل اسلام که برای مسلمان شدن، اقرار به وحدانیت و رسالت رسول خدا نیاز است. علت انجام این عمل، ریشه در نظریه گناه نخستین دارد که همه انسان ها آلوده به آن هستند. در واقع در خروجی از این آلودگی و شاهراه ورود به پاکی در مسیحیت، غسل تعمید است.

خداوند سبحان مورد قبول می باشد و در شرایط خاص که افشای آن ضروری است، صورت می پذیرد. اعتراف علنی به گناه آن هم در نزد غیر، با صفت ستار العیوب بودن خداوند، سازگاری ندارد.

اعتراف به سبک کهن

منظور از این نوع اعتراف، همان شیوه ی سنتی و قدیمی که در آن فرد نزد کشیش در یک اتاقک رفته و به تک تک گناهانش اعتراف می کند، البته انتخاب واژه ی سنتی و کهن به این معنا نیست که این نوع اعتراف مربوط به زمان خاصی بوده و اکنون رواج ندارد، بلکه هم چنان به حیات خود ادامه می دهد. این شیوه از اعتراف از همان آغاز مسیحیت تولد یافته و کودک چشم به جهان گشوده ای نیست که تاز شروع به راه رفتن کرده باشد، بلکه گرد و غبار تاریخ مسیحیت و کلیسا بر دوش آن سنگینی می کند. ریشه های این نوع اعتراف را شاید بتوان در همان قسمت های آغازین انجیل جست و جو کرد که مردم جهت غسل تعمید و اعتراف به نزد حضرت یحیی (ع) می آمدند: مردم از سراسر یهودیه و از تمامی نواحی اطراف رود اردن نزد او می رفتند و به گناهان خود اعتراف کرده، در رود اردن از دست او تعمید می یافتند. در رساله یعقوب هم به این امر اشاره شده است: پس نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. (رساله ی ۱۶ : یعقوب ۵) مراسم توبه و اعتراف در کلیسا بدین گونه برگزار می شود:

شخص توبه کننده وارد جایگاه اعتراف می شود؛ کشیش پنجره ی پشت پرده یا نرده را می گشاید.

توبه کننده: ای پدر مرا برکت ده، چرا که گناه کارم.

کشیش: خداوند در قلب تو و بر لب های تو باشد، به نحوی که تو با شایستگی به گناهانت اعتراف کنی.

توبه کننده: این آخرین اعتراف من است. اعتراف می کنم که به خاطر این گناهان و همه ی گناهانی که در گذشته مرتکب شده ام قلبا متاسفم. ای پدر، عفو خدا و عفو شما را خواستارم.

کشیش: در این جا کشیش شروع به نصیحت می کند و آیین توبه را انجام می دهد.

توبه کننده: ای خدای من، به دلیل این که تو را آزرده ام قلبا متاسفم و از همه گناهانم بیزارم، زیرا به دلیل از دست دادن بهشت و درد و رنج های جهنم، هراسانم. اما بیش تر از همه ی این ها به این دلیل متاسفم که گناهانم تو را که خدایی خوب و شایسته هر محبتی هستی، آزرده است. به کمک فیض تو قاطعانه تصمیم به اعتراف گناهانم می گیرم، توبه می کنم و زندگی ام را اصلاح می کنم. آمین. کشیش: (در حالی که توبه کننده در حال ادای حکم ندامت است) خدای قدر مطلق، لطف و مرحمتش را نصیب تو خواهد کرد و گناهانت را خواهد بخشید و تو را به حیات ابدی خواهد رسانید. آمین. خدای مهربان و قادر مطلق، عفو، بخشش و آمرزش گناهان تو را تضمین خواهد کرد. آمین. خداوند ما، عیسی مسیح تو را می آمرزد و من با مراجعت او تا بدان جا که قدرت دارم و بر حسب نیاز تو، تو را از همه ی قید و بندهای تکفیر و ممنوعیت رها می کنم. سرانجام به نام پدر، پسر و روح القدس تو را از گناهانت تبرئه می کنم. (برنتل، ۱۳۸۸: ۱۳۹ و ۱۴۰)

بخشش گناهان به این معنا نیست که نوعی آسودگی ایجاد شود و در پی آن رکود که فرد (هر گناهی که خواست بکند و با یک تعمید و توبه کار تمام شود). (مولند، ۱۳۶۸: ۲۷۲) توبه کننده از کشیش درخواست برکت می کند و نیز قدرت کشیش بر عفو در طول قدرت عفو خداوند قرار گرفته است. هر چند اعتقاد به نظریه ی حجیت کلیسا و عصمت پاپ این توان را به کشیش می دهد، اما این عبارات گویای این مساله است که کشیش پا را فراتر نهاده و عفو او همسان عفو خداوند است و همین امر موجب می شود که هنگام گناه بخشی چنین بگوید: من با مراجعت او (عیسی مسیح) تا بدان جا که قدرت دارم و بر حسب نیاز تو، تو را از همه ی قید و بند های تکفیر و ممنوعیت رها می کنم. در اسلام هم هر چند مقوله ای به نام «شفاعت» مطرح شده است، اما مقام شفاعتی که خداوند آن را برای گروهی مقرر کرده، هیچ گاه به این معنی نیست که دارای اختیار تام هستند.

۴. در این جا، گناهان، تعداد آن ها و شرایطی که شدت آن ها را تعدیل می کند، ذکر می شود.

مسئله ای که در این جا به چشم می خورد، اعتقاد مربوط به حجیت کلیسا و عصمت مقام پاپ است که آن را به دیگر کشیشان هم تسری می دهد. آگاهی از این مطلب، توجه به مسائل مرتبط با کلیسا و تاریخ آن را می طلبد. از میان مذاهب مسیحیت، دو مذهب کاتولیک و ارتدوکس با این آیین موافق بوده و نظرشان پیرامون این مسئله مثبت می باشد. در آیین کاتولیک واضح سنت توبه و اعتراف خود مسیح می باشد و نه رسولانش. (برنتل، ۱۳۸۸: ۱۳۳) هم چنین، این عمل از نظر اینان موجب تقویت نفس در برابر وسوسه های بعدی و فزونی فیض می گردد. (همان: ۱۳۸) کشیش به عنوان واسطه ای میان خدا و انسان گناهان و خطاها را مورد آموزش قرار می دهد اما در مقابل، مذهب پروتستان معتقد به حذف این واسطه می باشند و می گویند: هر مومنی یک روحانی است و کشیش، البته کشیش نه به معنای فرد گرایبی آن، بلکه با این معنی که کشیش انسان دیگر هم می باشد، اما نه به معنای کشیش کاتولیک، بلکه به این شکل که هر مسیحی همچون آینه ای برای مومن مسیحی است. (براون، ۱۳۸۲: ۱۹۸)

اعتراف به سبک نوین

در کنار اعتراف سنتی که در اِتاقک مجزای کلیسا، توسط کشیش انجام می گیرد، در قرن چهارم میلادی گونه ای دیگر از اعتراف به گناهان قدم به صحنه گذاشت. این نوع اعتراف، شیوه سنتی را که در سیطره ی کلیسا و کشیش بود، از حصار خود بیرون کشید. کتاب «اعترافات» نوشته ی قدیس آگوستین، شیوه ای نوین از اعتراف به گناهان بود که در آن نویسنده اعمال و تصورات گناه آلود خود را که زندانی زندان ذهنیات بود، از طریق قلم و لغزش آن بر روی کاغذ، آزاد کرده و به جای حضور در نزد کشیش، خود کشیش خویش گشته و کشیک نفس داده تا گناهان در بند ذهن را برای کاغذ عیان و نمایان کند. با ظهور و پیدایش مکتب فرویدیسم، نوع دیگری از اعتراف پا به عرصه گذاشت که در آن فرد معترف، به جای اعتراف در کلیسا و نزد کشیش، روی تخت روان شناسی به افشای درونیات و گناهان خود پرداخت. (دشتی پور، ۱۳۹۰) سیر این شیوه از اعتراف از آگوستین آغاز گشته و تا کنون ادامه داشته است. میشل فوکو از اندیشمندان معاصر، در آثار و تالیفاتش به این موضوع پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده است. وی در مورد عمل اعتراف در میان کلیسا این چنین می نویسد: در این دوران، اعتراف به منزله ی یادآوری و بازگویی گفتار و کردار گناه آلود نزد آبابی کلیسا و متولیان مذهبی و به عنوان گونه ای تمرین روحی و ابزار قدرت و سلطه در صومعه ها و کلیساها سخت رواج داشت. راهبان در دیرها می آموختند که یکی از راه های موثر تسلط بر نفس اماره، اعتراف به گناهان و به زبان آوردن درونی ترین امیال و انگیزش هاست. بدیهی است که در آغاز اعتراف به ندرت در میان عوام صورت می گرفت و این رویه در میان راهبان رواج داشت، بعد از قرن هفدهم میلادی، اعتراف گرفتن از مومنان شیوع یافت و علاوه بر رفتار و کردار گناه آلود، خیالات و توهمات وسوسه آمیز را نیز شامل شد. (رابینو و دریفوس، ۱۳۸۲: ۲۹۷)

فوکو درباره شیوه و روش اعتراف می نویسد: تاثیرات روش اعتراف، گسترش بسیار پیدا کرده است. اعتراف در نظام قضایی، پزشکی، آموزش و پرورش، روابط خانوادگی و روابط عشقی، در معمولی ترین امور زندگی روزمره و در پرهیبت ترین مراسم و شعائر دینی نقش بازی می کند؛ ما به جرایم خودمان، گناهانمان، افکار و امیالمان، بیماری ها و مشکلاتمان اعتراف می کنیم... آدمی در لذت و در درد، چیزهایی را به خودش اعتراف می کند که گفتن آن ها به هیچ کس دیگر ممکن نخواهد بود، چیزهایی که مردم درباره ی آن ها کتاب ها می نویسند... انسان غربی به حیوان اعتراف کننده تبدیل شده است. (رابینو و دریفوس، ۱۳۸۲: ۲۹۷)

نتیجه گیری

در دین مبین اسلام در آیات و روایات متعددی از توبه صحبت به میان آمده و انسان به آن تشویق و ترغیب شده و سقوط کیفر به صراحت در برخی از آن ها مطرح شده است. این که انسان، در مسیر زندگی گاهی دچار خطا و لغزش می گردد نباید باعث شود که از رحمت الهی مأیوس و ناامید شود، زیرا درهای رحمت خداوند همیشه به روی بندگان باز است. توبه از موضوعات مشترک میان علم اخلاق، کلام، فقه و حقوق است و در هر کدام از این علوم از یک جهت به آن نگریسته شده است. توبه از بنیادهای حقوق کیفری اسلام است که برای اصلاح مجرم و خطاکار در نظر گرفته شده است و حتی در پاره ای موارد،

باعث سقوط مجازات می‌شود. از این رو با توجه به اهمیت بسزای توبه به عنوان یک نهاد قوی در سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام، جا دارد در پرونده‌های کیفری، قبل از آن که قاضی صادر کننده رأی حکم صادر کند، توجه ویژه‌ای به توبه مجرم بشود و از وجود کارشناسان و روان شناسان به عنوان مشاور قاضی در این خصوص استفاده شود. از طرف دیگر، اعتراف به گناه در کلیسا در نزد کشیش با این که فاقد بنیادهای حقوق کیفری است، موضوعی می باشد که از دید بزرگان مسیحی، خود گامی است در اصلاح عمومی جامعه و موجب پیشرفت و ترقی. اعتراف بدین شیوه نیز مورد تأیید اسلام نبوده و نه تنها موجب ثواب و بخشش گناهان نمی‌شود، بلکه خود گناهی دیگر می‌باشد. در اسلام، اعتراف به مصادیق گناه نزد هر شخصی که باشد حرام است و انسان نباید گناهان خود را نزد غیر خداوند ذکر کند و این تفاوت مهم ناظر بر این نهادها در نظام های حقوقی اسلام و مسیحیت است.

منابع و مآخذ

*قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۰۸ه.ق؛ لسان العرب، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲. اسلام پور، عسگری، ۱۳۸۳، جایگاه توبه و نقش آن در امور کیفری اسلام، مجله رواق اندیشه، ش ۳۹، صص ۱۲۲-۹۴.
۳. ایمانی، عباس، ۱۳۸۲، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان.
۴. براون، رابرت مک آفی، ۱۳۸۲، روح آیین پروتستان، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
۵. برنتل، جرج، ۱۳۸۱، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
۶. تیلور، ادوارد، مذهب کاتولیک و مجموعه ی ۲۱ جزوه،
۷. جبعی العاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ۱۳۸۴ه.ق، الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم، موسسه گنج عرفان.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۰، دایرةالمعارف علوم اسلامی، ج ۳، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ه.ق، وسایل الشیعه، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۱۱. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی)، ۱۳۶۸، شرایع الاسلام، مترجم: ابوالقاسم احمد یزدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. رایبوت، پل و هیوبرت دریفوس، ۱۳۸۲، میشل فوکو فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، مترجم: حسین بشیریه، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.
۱۳. زیبایی نژاد، محمدرضا، ۱۳۸۹، مسیحیت شناسی مقایسه ای، تهران، انتشارات صدا و سیما.
۱۴. شهابی، محمود، ۱۳۷۵، ادوار فقه، ج ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، ۱۳۶۴، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، ج ۱۰، تحقیق سیدحسن موسوی خراسانی، تصحیح محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. فاضل هندی، بهاء الدین محمد، ۱۴۰۵ه.ق، کشف اللثام، ج ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ سوم.
۱۷. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۹، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران، نشر میزان.
۱۸. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۰، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هجدهم.
۱۹. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، ۱۳۷۵، توبه و نقش آن در سقوط مجازات از دیدگاه حقوق جزای اسلامی، مجله دیدگاه های حقوقی، ش ۳، صص ۳۶-۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۰، استفتائات جدید، ج ۲، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

۲۱. مکی العاملی، محمد (شهید اول) (۱۳۷۲)، القواعد و الفوائد، تحقیق سید عبدالهادی الحکیم، قم، مکتبه المفیده.
۲۲. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، ۱۳۸۵، فقه تطبیقی، تهران، انتشارات میعاد، چاپ دوم.
۲۳. موسوی خمینی (ره)، روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
۲۴. موسویان، سیدابوالفضل، ۱۳۸۳، بحثی درباره توبه مرتد فطری، فصل نامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه حقوق.
۲۵. موسوی بجنوردی، سید محمد و سلطانیان، مریم، ۱۳۸۶، تاثیر توبه بر سقوط مسئولیت کیفری «حدود» با رویکردی بر دیدگاه حضرت امام خمینی، پژوهشنامه متین، ش ۳۷، صص ۱-۲۴.
۲۶. مولند، اینار، ۱۳۶۸، جهان مسیحیت، مترجم: محمد باقر انصاری، مسیح مهاجری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۷. میشل، توماس، ۱۳۷۷، کلام مسیحی، مترجم: حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۸. نجفی، محمدحسن باقر، ۱۹۸۱م، جواهر الکلام فی شرح سرائح الاسلام، ج ۴، بیروت، دارالاحیاء اثرات العربی، چاپ هفتم.
۲۹. ولیدی، محمدصالح، ۱۳۷۵، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، دفتر نشر داد، چاپ دوم.
۳۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، ۱۳۷۸، بایسته های فقه جزا، تهران، نشر میزان.